

مجاهدین در جایگاه اتهام

انتقاد شده که چرا در یادداشت اخیرم (تعیین تکلیف تاریخی مجاهدین) گفته ام که دادگاهی شدن مجاهدین پیشکشی است به آنها؛ و نقد کرده اند که این رژیم است که می بایستی به دادگاه کشیده شود و نه فرزندان خلق. در یک کلام من هم موافقم. این رژیم و ایادی آنها هستند که بالاخره روزی در یک دادگاه علنی پاسخگویی بیست و اندی سال جنایت و خونریزی خواهند بود. ولی فکر نکنم این پاسخ قانع کننده ای برای منتقدین باشد. آنها می خواهند بدانند که چرا من دادگاهی شدن مجاهدین و بخصوص مسعود رجوی و دیگر سران آنها را پیش کشیده ام. اول از همه به این می پردازم که آن یادداشت مختصر و کوتاه بود؛ و امید من این بود که از من به یک اشاره.....ولی نشد، برخی متوجه نشده اند و من مجبورم که وقت شما را گرفته و چند خطی اضافه بنویسم.

بیاییم با هم داده ها را مرور کنیم.

- 1- آمریکا (امپریالیسم) وقتی منافعش به خطر بیفتد نه حقوق بشر می فهمد، نه انسانیت، و نه قوانین وضع شده و مورد قبول جهان سیاست و متمدن. گرگی است درنده خوی که هر کس و هر چیزی را که بر سر راهش باشد می درد و خجالت هم نمی کشد. از کره و ویتنام و گواتمالا و فلسطین بگیرد تا برسد به عراق. اگر کسی با این چند جمله مخالف است بهتر است که بقیه یادداشت را نخواند.
- 2- رژیم جمهوری اسلامی، نظامی ارتجاعی را که بر مبنای افکاری قرون وسطایی پایه ریزی شده است نمایندگی می کند. زمانی از حمایت مردمی برخوردار بود تا لحظه ای که ذهنیت های عامه مردم (امت در صحنه) فروریخت و اکنون روزانه در کشور ایزوله تر می شود. در عین حال، توانمندی نظامی، سیاسی، اقتصادی و رسانه ای، مانند هر رژیم حاکم دیگری دارد. از کلیه این توانمندی ها در حد امکان استفاده می کند تا به حیات خودش برای لحظه ای بیشتر ادامه دهد. بخاطر ماهیت مادون انسانی اش از کشتار و قتل عام هم باکی ندارد. از همان بدو تولد کشت و هنوز هم بی مهابا می کشد.
- 3- دنیای غرب (جهان استثمارگر) در راستای منافع ملی خود، حاضر است از هر رژیمی بدون در نظر گرفتن سابقه ی ضد بشری اش، دفاع کند. و تا زمانی که رژیم در آستانه فروپاشی حتمی قرار نگیرد، استثمارگر از موضع زانو صفت خود عقب نمی نشیند.
- 4- خلقهای مختلف در کشورهای مختلف، بر خلاف دول شان، از ماهیتی بسیار انسانی و ضد دیکتاتوری برخوردارند- به نمونه های مختلف از زمان جنگ کره تا به همین جنگ عراق توجه شود. این مردم و افکار عمومی بود که دول استثمارگر را به زانو درآورد و مجبور به عقب نشینی کرد. اگر به موارد مختلف جلب حمایت در کشورهای غربی توجه شود می بینیم که بخش عظیمی از حمایت ها به همین مردم عادی و «غیر سیاسی» اختصاص دارد، و این حمایت ها هستند که وکلای مجلس، نمایندگان در کنگره و سنا را واداشته است که موضعی موافق خواسته های مردم ایران و ضد رژیم بگیرند.
- 5- دستگاه حقوقی در کشورهای غربی، به علت استقلال عمل و جدابودن اش از قوه مقننه و سیاست بازان توانسه است (و می تواند) در بزنگاه های مختلف در نقش اهرمی افشاکننده و یا بازدارنده ی اهداف سیاست بازان وارد میدان شود. بطور مثال به دادگاه میکونوس توجه شود. فراتر آن که در غرب قوانینی وضع شده که می تواند برای استثمارگران دست و پا گیر باشد، بطور مثال کنوانسیون ژنو که مجاهدین به عنوان اولین گام در رد تهدید شورای حکومتی عراق بکار گرفتند. به نظر من، یک دموکرات از یک دادگاه، در یک جامعه مبتنی بر قوانین حقوقی و دموکراتیک، برنده بیرون می آید.
- 6- اپوزیسیون در حال حاضر در گنجی نا متعینی به سر می برد. نه استراتژی مشخصی

در قبال اتفاقات یکی دو سال اخیر ارائه داده است و نه توانسته است در یک اتحاد (حتی نیم بند) خود را منسجم کرده و در ظاهر هم شده باعث وحشت دشمن داخلی و خارجی بشود. منظورم نیست که آنها بی عمل بوده اند. خیر، آنها عمل کرده اند. تظاهرات کرده اند، بیانیه صادر کرده اند، نشریه چاپ کرده اند، و در رادیو و پالتاک سخنرانی کرده اند، اما دشمن را نترسانده اند. نیروی جذب شده شان را در حد تئوریک آموزش داده اند و نیروهای داخل خود را در حصار بقا نگاهداشته اند. آن کرده اند که حزب توده در 50 سال می کرده است، به جز خیانت.

7- مجاهدین حرف و عمل شان یکی بوده است. البته منظورم این نیست که همه ی حرف هایشان درست بوده و کلیه ی عمل هایشان مثمر ثمر. خیر! ولی اگر گفته اند که باید ارتش درست کرد و رژیم را این گونه سرنگون کرد، پشت این تئوری رفته و به آن جامه ی عمل پوشانده اند. اگر گفته اند که بایستی پایگاه مردمی داشت، آن را به مورد اجرا گذاشته و نیروهای خود را هم در شیشه ی ترشی برای روز مبادا نگاه نداشته اند. اگر گفته اند که بایستی برای رهایی خلق خون فدا کرد، از ایثار خودداری نکرده اند. آیا من و شما با این شیوه ها موافق و یا مخالفیم حرف دیگری است، اما بایستی اذعان کنیم که مجاهدین به آنچه گفته اند عمل کرده اند.

اینها مفروضات صحبت من است. حال بینیم موقعیت مجاهدین در عراق که لحظه به لحظه به شکل واقعی تری خود را نمایان می کند چیست؟ به چند پیش نکته توجه کنیم:

- 1- آمریکا به عراق گفت که حمله می کند، و کرد.
- 2- صدام دست نشانده ی آمریکا بود، و تا چندی پیشتر از این وقایع آب بدون اجازه رامسفلد نمی خورد.
- 3- مجاهدین یک ارتش زرهی با ادوات سنگین در چند متری خاک وطن مستقر داشته اند. و در داخل هم از تیم های عملیاتی بهره مندند.
- 4- مجاهدین پس از تجربه به تعویق افتادن نقشه های نظامی شان بخاطر جریان کویت تجربه کسب کرده و می دانستند که جنگی دیگر می تواند کار ارتش شان را متوقف کند.
- 5- مجاهدین، با آمریکا طرف صحبت شده و گفته بودند که در این گیر و دار بیطرف بوده و تمام هم و غم شان سرنگونی رژیم است. آمریکا هم قول داده بود که به آنها کاری نداشته باشد.
- 6- آمریکا بد قولی کرد. مجاهدین در یک نشست پذیرفتند که خلع سلاح شوند. آمریکا دوباره قول داد که امنیت آنها را متقبل شود.
- 7- فرانسه با مریم رجوی و یارانش آن کرد که می دانیم. مجاهدین هنوز روی آمریکا و قول هایش حساب باز کرده است.
- 8- شورای حکومتی عراق زیاده گوئی می کند. مجاهدین سعی می کنند تا مساله را از طریق آمریکا حل کنند.
- 9- آمریکا هنوز که هنوز است مجاهدین را در لیست تروریستها نگاهداشته و هر از گاهی در مصاحبه هایش از آنها به همین عنوان استفاده می کند.
- 10- جنگ بین دو جناح در داخل دولت آمریکا بر سر مجاهدین ادامه دارد. انتخابات آمریکا در شرف شروع است و هر مقوله ای می تواند در این مدت به نا کجا آباد کشیده شود.
- 11- در آخرین بیانیه شورای حکومتی عراق صحبت از استرداد مجاهدین می شود. مجاهدین کنوانسیون ژنو را به آمریکا یاد آوری می کنند.
- 12- در تمام این مدت، از حمله آمریکا به عراق، هیچکدام از چریکهای مجاهد در داخل دست به عملیات نمی زنند.
- 13- در جریان دستگیری مریم رجوی، بجای خودسوزی، عملیاتی در داخل انجام نمی گیرد.

- 14- در ازاي بيانيه ي شوراي حكومتي، و فقط جهت اطلاع تمام عاليجنابان، در داخل عملياتي انجام نمي گيرد.
- 15- پس از اينكه انرژي بي سابقه اي براي افشاي نقشه هاي اتمي رژيم صرف شد، مريم رجوي در سخنراني اخير خود مي گويد كه صدور تروريسم رژيم صد بار خطرناك تر از توانايي اتمي رژيم است.
- 16- خلاصه آنكه مجاهدين تصميم بر اين گرفته اند كه فعلا بايستي مسالمت جويانه عمل كرد. ولي هنوز طناب دار برجسب تروريستي بالاي سر آنها در حال رقص است، و هر كس از رژيم و جلال طالباني و شوراي حكومتي عراق گرفته تا آمريكا و فرانسه و انگليس همين كه كارش يك جايي گير پيدا مي كند شروع مي كند به نواختن اين آهنگ تكراري.
- 17- در جريان محاکمه مريم رجوي مشاهده شد كه وقتي مجاهدين به دادگاه بروند اگر برنده بيرون نيابند بازنده نخواهند بود. همين در موارد ديگر (مثلا در انگلستان) صادق بوده است.
- 18- از رژيم و جادشندگان از اين سازمان گرفته تا به آنها كه بقاي خود را در نابودي مجاهدين مي بينند، لولوي محاکمه و استرداد را هر چند روز يكبار از پشت پرده بيرون مي آورند و مجاهدين هم هول کرده و عقب مي نشينند، بي آنکه روي توخالي بودن اين بلوف تامل کنند.

با توجه به تمام اين پيش فرض ها، داده ها و تفسير ها من معتقدم كه مجاهدين بايستي از محاکمه تك تك اعضا و هواداران شان خشنود شوند. مگر معتقد نيستند كه در طول تاريخ مبارزاتي خود عملي نكرده اند مگر در راستاي رهايي خلق باشد؟ مگر تروريسم و تروريست معني قانوني ندارد؟ شايد بتوان در عالم سياست به هر كس هر برجسبي زد، ولي در دستگاہ قضايي لغات تعريف شده است. چگونه است كه توني بلر و جرج بوش آزادي ستان هستند ولي مجاهد خلق تروريست؟ چگونه است كه مجاهدين افغان ضد اسلام فئاتيك هستند و مجاهدين خلق همرديف اعضاي القاعده؟ من باز هم تکرار، نه! اصرار مي كنم كه مسعود رجوي و يارانش بايستي به اروپا آمده تا در دادگاه لاهه محاکمه شوند. آیا يك لحظه فكر کرده ايد كه چه دلهره اي در داخل رژيم ايجاد مي شود؟ آیا يك لحظه تامل کرده ايد كه اين پروسه ي طولاني محاکمه چه وحدتي در ميان مبارزان واقعي در داخل و خارج كشور ايجاد مي كند؟

پيشنهاده من به منتقدان اين است كه با اين مقوله به سادگي و سطحي و احساساتي برخورد نکنند. معلوم است كه رژيم بايد به دادگاه كشيده شود و مبارزان خلق از جمله مجاهدين در والاترين جايگاه قرار بگيرند. ولي براي رسيدن به آن مقام و جايگاه براي يكبار هم شده بايد مجاهدين تعيين تكليف تاريخي بشوند. بايستي همه، از منافقان تا مخالفان، از معاندان تا شكاکان، مجاهدين را در جايگاه اتهام قرار دهند تا مجاهدين براي يكبار هم شده پاسخگوي تمام اتهامات شوند. بايد از موضع قدرت برخورد كرد.

شاد باشيد

علي ناظر - 17 دسامبر 2003

ديدگاه

براي تماس با علي ناظر

didgah10@yahoo.com

براي ارسال مطلب جهت درج در ديدگاه

didgah01@yahoo.co.uk